کتابخانه آستانقدس

اسم کتاب صافی - شرح کافی ج ۱۲-۱۳ فارسی

مصنف / مؤلف شارح ملاخلیل بن غازی قزوینی

خطی ~~چاپی~~ نسخ ۲۰ سطری

سال ~~چاپ~~ یا تحریر ۱۰۷۵ ق عدد اوراق ۲۸۸

جزء کتب اخبار شماره

شمارهٔ عمومی ۹۵۱۱ شمارهٔ قبض

واقف خان باباشار تاریخ وقف خرداد ۱۳۴۵

طول ۲۵/۵ عرض ۲۰ گنجه

ملحوظة المحلل

تم كتاب الزكاة تم كتاب الصوم

مجلد كتاب العقل باب التوحيد
مجلد كتاب الحجة
مجلد كتاب الايمان والكفر
مجلد كتاب الدعاء مجلد كتاب فضل القرآن
مجلد كتاب العشرة
مجلد كتاب الطهارة كتاب الحيض
مجلد كتاب الصلوة كتاب الجنائز

مجلد كتاب الزكوة كتاب الصيام
مجلد كتاب الحج
مجلد كتاب الجهاد

[illegible]

۱- زکوة ۲- صوم

کتابخانهٔ آستان قدس
ویژه خطی

وزن که بسنگ تنقه مثقال اگر رطل را
عراقی اعتبار نمایند یکصد و سی درهم
میشود و اگر مدنی اعتبار نمایند دویست
و چهار درهم است بجهت آن اینکه رطل
عراقی یکصد و سی درهم است و رطل مدنی
یکصد و نود و پنج درهم پس یک رطل و نیم عراقی
یک رطل مدنی است یعنی رطل عراقی دو ثلث
رطل مدنی است و هر ده درهم هفت مثقال شرعی است
و هر مثقال شرعی چهار دانگ و نیم مثقال صیرفی است
پس رطل عراقی نود و یک مثقال شرعی خواهد بود
که شصت و هشت مثقال و ربع مثقال صیرفی است
و رطل مدنی یکصد و دو مثقال و ربع مثقال
[illegible]

صافی - ترجمهٔ کافی
جلد ۱۲ - زکوة

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

اصل کتاب الزکوة شرح زکوة بفتح راء بی نقطه وتخفیف کاف والف منقلب از واو وتاء تانیث دراصل مصدر باب نصر است بمعنی نمو ومراد اینجا حصه ایست از مال که دادن بمستحق باعث نمو باقی میشود یعنی کتاب دوازدهم ازجمله سی کتاب که جزء کتاب کافی ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی است کتابیست که دران احادیث متعلقه بزکوة مذکور میشود درین کتاب نود باب است اول باب فرض الزکوة ومایجب فی المال من الحقوق دوم باب منع الزکوة سوم باب العلة فی وضع الزکوة علی ما وضع فی لم تزد ولم تنقص چهارم باب ماوضع رسول الله صلی الله علیه وعلی اهل بیته الزکوة علیه پنجم باب ما یزکی من الحبوب ششم باب مالایجب فیه الزکوة مما تنبت الارض من الخضر وغیرها هفتم باب اقل ماتجب فیه الزکوة من الحرث هشتم باب ان صدقة الثمرة مرة واحدة نهم باب زکوة الذهب والفضة دهم باب انه لیس علی الحلی وسبائك الذهب ونقر الفضة والجوهر زکوة یازدهم باب زکوة المال الغایب والدین والودیعة دوازدهم باب اوقات الزکوة سیزدهم باب چهاردهم باب المال الذی لایحول علیه الحول فی ید صاحبه پانزدهم باب ما یستفید الرجل من المال بعد ان یزکی ما عنده من المال شانزدهم باب الرجل یشتری المتاع فیکسد علیه والمضاربة هفتدهم باب ما یجب علیه الصدقة من الحیوان ومالایجب هشتدهم باب صدقة الابل نوزدهم باب اسنان الابل بیستم باب صدقة البقر بیست ویکم باب صدقة الغنم بیست ودوم باب ادب المصدق بیست وسوم باب زکوة مال الیتیم بیست وچهارم باب زکوة مال المملوك والمکاتب والمجنون بیست وپنجم باب فیما یاخذ السلطان من الخراج بیست وششم باب الرجل یخلف عند اهله من النفقة ما یکون فی مثلها الزکوة باب الرجل یعطی من زکوته من یظن انه معسر ثم یجده موسرا بیست وهشتم باب الزکوة تعطی غیر اهل الولایة ۲۹

بیست وهفتم
لغیر

باب

۲

المؤمنین

باب قضاء الزکوة عن المیت سی ام باب اقل ما یعطی من الزکوة واکثر ۳۱ باب انه یعطی عیال المؤمن من الزکوة اذا کانوا صغارا ویقضی عن المؤمنین الدیون من الزکوة ۳۲ باب تفضیل اهل الزکوة بعضهم علی بعض ۳۳ باب تفضیل القرابة فی الزکوة ومن لایجوز منهم ان یعطوا من الزکوة ۳۴ باب نادر

الی بلد

۳۵ باب الزکوة تبعث من بلد او تدفع الی من یقسمها فتضیع ۳۶ باب الرجل یدفع الیه الشیء یفرقه وهو محتاج الیه یاخذ لنفسه ۳۷ باب الرجل اذا وصلت الیه الزکوة فهی کسبیل ماله یفعل بها ما یشاء ۳۸ باب الرجل یحج من الزکوة او یعتق ۳۹ باب القرض انه حمی الزکوة ۴۰ باب قصاص الزکوة بالدین ۴۱ باب من فر بماله من الزکوة ۴۲ باب الرجل یعطی عن زکوته العوض ۴۳ باب من یحل له ان یاخذ من الزکوة ومن لایحل له ومن له المال القلیل ۴۴ باب من تحل له الزکوة فیمتنع من اخذها ۴۵ باب الحصاد والجداد ۴۶ باب صدقة اهل الجزیة ۴۷ باب نادر ۴۸ ابواب الصدقة باب فضل الصدقة ۴۹ باب ان الصدقة تدفع البلاء ۵۰ باب فضل صدقة السر ۵۱ باب صدقة اللیل ۵۲ باب فی ان الصدقة تزید فی المال ۵۳ باب الصدقة علی القرابة ۵۴ باب کفایة العیال والتوسع علیهم ۵۵ باب من یلزم نفقته ۵۶ باب الصدقة علی من لاتعرفه ۵۷ باب الصدقة علی اهل البوادی واهل السواد ۵۸ باب کراهیة رد السائل ۵۹ باب قدر ما یعطی السائل ۶۰ باب دعاء السائل ۶۱ باب ان الذی یقسم الصدقة شریك صاحبها فی الاجر ۶۲ باب الایثار ۶۳ باب من سال من غیر حاجة ۶۴ باب کراهیة المسئلة ۶۵ باب المن ۶۶ باب من اعطی بعد المسئلة ۶۷ باب المعروف ۶۸ باب فضل المعروف ۶۹ باب فیه ۷۰ باب ان صنائع المعروف تدفع مصارع السوء ۷۱ باب ان اهل المعروف فی الدنیا هم اهل المعروف فی الآخرة ۷۲ باب تمام المعروف ۷۳ باب وضع المعروف موضعه ۷۴ باب فی ادب المعروف ۷۵

آداب

~~باب الانفاق / باب معرفة الجود والسخاء / باب حسن جوار النعم / قلة النعم~~

~~باب البخل والشح / باب النوادر~~ باب من کفر المعروف ۷۶ باب القرض ۷۷ باب انظار المعسر

عینِ اَست والف آنجای یاءِ دوم است وانچه اسم شهر قدس است بکسر همزه وسکون لام است صاحب قاموس
در فصل همزه ویاء دو نقطه در باب بیٖ ولام گفته که ایل بالکسر اسم اسم من اسماء الله تعالی وجبل وایلیا بالکسر
ویقصر ویشدد فیهما والیا بیاء واحدة ویقصر مدینة القدس **یعنی** امام گفت که بعد از ان یهودی
بیرون آورد از قبای خود مکتوبی که پیچیده وسر بمهر بود پس داد انرا بامیر المؤمنین صلوات الله
علیه پس امیر المؤمنین علیه السلام برداشت مهر انرا ونظر کرد دران وگریه کرد پس گفت اورا
یهودی که چه چیز بگریه می آورد ترا ای پسر ابوطالب جز این نیست که نظر کردی در این مکتوب وآن
مکتوبیست سریانی وتو مرد عربی ای پس آیا میدانی که چیست مضمون ان مکتوب پس گفت
اورا امیر المؤمنین صلوات الله علیه که آری این نام منست ثبت کرده شده است پس گفت اورا یهودی
که پس وانما مرا نام تو در این مکتوب وخبر ده مرا که چیست نام تو در لغت سریانیه امام گفت
که بیرون نمود اورا امیر المؤمنین صلوات الله علیه اسم خود را دران مکتوب پیچیده وگفت اسم
من در لغت سریانیه الیاس است **اه** فقال الیهودی اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان محمداً رسول الله
واشهد انک وصی محمد صلی الله علیه واله واشهد انک اولی الناس بالناس من بعد محمد وبایعوا
امیر المؤمنین صلوات الله علیه ودخل المسجد فقال امیر المؤمنین صلوات الله علیه الحمد لله الذی
لم اکن عنده منسیاً الحمد لله الذی اثبتنی عنده فی صحیفة الابرار **شرح** شهادت لا اله الا الله
استیناف توحیدیست که مذکور شد سابقا بنا برانیکه معلوم یهودی شد که گفتن او لا اله الا الله را
بیشتر از این برحقیقت شهادت توحید نبوده ومثل شهادت انقوم که بیدد گشته شده‌اند
بوده **یعنی** پس گفت یهودی که گواهی میدهم که نیست مستحق عبادتی مگر الله وگواهی میدهم
که محمد رسول الله است وگواهی میدهم که تو وصی محمدی صلی الله علیه واله وگواهی میدهم
که تو نزدیکتر مردی بمردم در زمان بعد از محمد یعنی که تو اولی بایشانی از خود شان نظیر
آنچه گفته در سوره احزاب النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم تا اخر وبیعت کردند امیر المؤمنین صلوات الله

علیه را وداخل شد مسجد را پس گفت امیر المؤمنین صلوات الله علیه که سپاس الله راست انکه نبودم
نزد او فراموش کرده شده سپاس الله راست انکه ثبت کرد مرا در مکتوب نیکان ظاهر اینست که این صحیفه
موافق صحیفه بوده که بر آدم صلی الله علیه نازل شده ودران صحیفه تفصیل انبیای صاحبان شریعت علیحده
وتفصیل اوصیای ایشان ثبت بوده وبرای هر نبیی واوصیای او مهری بران بوده نظیر صحیفه که مذکور شد
در کتاب الحجه در حدیث اول باب بیست ویکم که باب ان الائمة علیهم السلام لم یفعلوا شیئا ولا یفعلون
الا بعهد من الله عز وجل وامر منه لا یتجاوزونه است **اه** تم کتاب الصوم بحمد الله ومنه وصلوات الله
وسلامه علی سیدنا محمد المصطفی وعلی آله مصابیح الدجا وسلم تسلیما والحمد لله رب العالمین **شرح**
این از الحاقات کاتبان مینماید **یعنی** باخر رسید کتاب صوم بحمد الله تعالی وعطای او ودرودهای
الله تعالی وسلام او بر مهتر ما محمد مصطفی وبر اهل بیت او که چراغهای تاریکیها اند وسلام کند
الله تعالی بر ایشان سلام کردنی وحمد الله راست که
صاحب کل اختیار هر کسی وهر چیزیست عفا الله
عنه وعن والدیه وعن اخونده وذریاتهم ولعله
وعن جمیع المؤمنین والمؤمنات من ترجم

فرغ الشارح العبد الفقیر خلیل بن
الغازی القزوینی رحمه

هذا الکتاب بعد العصر یوم الجمعة العاشر من شهر شعبان
المعظم سنة اثنتین وسبعین والف هجریة حامدا مصلیا مسلما
فرغ الکاتب فی سنة ۱۰۷۶ ست وسبعین والف

وقع الاهمال
انا العبد الی الله